

# آگهی های دولتی استقلال مطبوعات محلی را تهدید می کنند



پژمان موسوی

Pejman.mousavi@gmail.com

مطبوعات محلی را در دو حوزه مطبوعات شهرستانی به طور عام و مطبوعات قومی به طور خاص می توان مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد. مطابق همین دسته بندی می توان یک دسته معضلات و مسائل را کلی و مرتبط با این هر دو دسته، و یکسری مسائل را مختص مطبوعات قومی یا هر مطبوعه یی که در استان های مرزی ایران منتشر می شوند، دانست. باز هم با در نظر گرفتن همین دسته بندی ها به نظر می رسد کارکردهای مطبوعات محلی در ایران به شکل مناسب شناخته نشده است گرچه همگان بر این باورند که این دسته از مطبوعات به طور عمده نقش مهمی در انعکاس نیازها و مشکلات زندگی افراد یک منطقه یا محله داشته و پویایی و رشد آنها به توسعه کلی مطبوعات منجر می شود و افزایش توجه مخاطبان نسبت به این نشریات، افزایش تعداد خوانندگان مطبوعات در کل کشور را در پی خواهد داشت، اما به عقیده کارشناسان، مطبوعات محلی در ایران چندان مورد توجه نبوده و به نوعی کارکرد آنها با نقص همراه است. با قاطعیت می توان مسائل مالی و کمبود نیروی تحصیلکرده و متخصص را دو محور اصلی مشکلات و مسائل نشریات محلی در ایران دانست؛ دو مشکلی که خود خالق مشکلات بی شمار دیگری از جمله وابستگی شدید برخی از این مطبوعات به نهادهای دولتی یا بنگاه های اقتصادی شهرستانی است. با تمام این اوضاع بعضاً در شرایط کنونی، برخی از نشریات محلی دارای جایگاهی به مراتب معتبر تر از رسانه های کشوری در نظر مخاطبان خاص خود هستند. کارشناسان همچنین معتقدند روزنامه های محلی با انتشار جزییات رویدادهای محل، آنچنان مورد اعتماد جامعه خود شده اند که وقتی از یک نامزد انتخاباتی جانبداری کنند، به دلیل همین اعتماد، مردم عمدتاً به این نامزد رای می دهند بنابراین این روزنامه ها در اعلام جانبداری خود از یک نامزد نهایت دقت را به عمل می آورند تا بعدها از آنها سلب اعتماد نشود. برای بررسی همه جانبه تر موضوع مطبوعات محلی و کارکردهای آن در جامعه امروز ایران به سراغ علی اکبر قاضی زاده روزنامه نگار و مدرس دانشگاه رفتیم و در گفت و گویی که در ادامه می خوانید، دیدگاه های وی را در این حوزه جويا شدیم.

- برای ورود به بحث جناب عالی چه کار کرده‌ای  
را برای مطبوعات محلی قائل هستید؟ آیا این  
کار کردها را جدای از کار کردهایی می دانید که  
عرفا برای مطبوعات سراسری قائل هستند؟

نشریات محلی  
از آنجایی که  
در محیط های  
محدودتر و زیر  
نظرتری شکل می  
گیرند و نشو و نما  
می کنند، خیلی  
سریع تر و موثرتر  
تحت تاثیر دولت  
قرار می گیرند

به باور من کارکرد مطبوعات محلی  
بیرون از ساز و کار و قاعده مجموع  
مطبوعات کشور از جمله مطبوعات  
کشوری نیست، یعنی اینکه با یک  
فاصله که ارتباط به خیلی عوامل  
دارد مطبوعات محلی الگوشان را  
از مرکز می گیرند. تمام محدودیت  
ها، موفقیت ها، ابتکارها، فکرهای  
تازه، طرح های تازه و اندیشه های  
تازه، ابتدا در تهران و پایتخت کشور  
امتحان می شود و بعد به دنبال آن در  
سایر نقاط کشور.

برگردید به تاریخ مطبوعات در دنیا  
نگاهی بیندازید، مطبوعات را دولت ها پدید نیآورده  
اند. مطبوعات زاییده یک نیاز فوری در جوامع  
است. این طوری نیست که یک نفر اراده کند و  
بگوید مطبوعات باید گسترش پیدا کند. با بخشنامه  
و... نمی توان این کار را کرد. اولین مطبوعه یی  
که در ایران به وجود آمد اتفاقاً غیردولتی بود و  
شهرستانی. نشریه آشوری ها در ارومیه در فاصله  
میان کاغذ اخبار میرزا صالح تا وقایع اتفاقیه  
امیرکبیر منتشر شد. در تبریز قبل از مشروطه  
نمونه هایی از مطبوعات مستقل غیردولتی داریم.  
پیش از مشروطه در سال ۱۳۱۷ قمری هفت سال  
قبل از مشروطه، میرزا علی لیبب الملک در بندر  
بوشهر روزنامه یی به نام مظفری درمی آورد.  
ما از زمانی دچار مشکل شدیم که دستانمان به  
دولت خیره ماند و همین جا سوء تفاهم شروع  
شد؛ نشریات محلی از آنجایی که در محیط های

در سال های اخیر  
در چند نقطه  
از شهرستان  
ها مطبوعات  
درخشانی ظهور  
کرده اند

محدودتر و زیر نظرتری شکل می  
گیرند و نشو و نما می کنند، خیلی  
سریع تر و موثرتر تحت تاثیر دولت  
قرار می گیرند زیرا مشکلاتی که در  
تهران مطبوعات تجربه می کنند در  
شهرستان ها به صورت فوری تر و  
بازتر و قاطع تر اجرا می شود. فرض  
کنید بستن یک روزنامه در تهران

هزینه هایی دارد. در شهرستان ها خیلی بی سر  
و صدا تر این مساله صورت می گیرد. استان های  
آذربایجان و گیلان قدیمی ترین استان هایی  
هستند که مطبوعات محلی داشتند. نشریات محلی  
در این استان ها به خصوص توانستند تاثیرگذار  
باشند، در تبریز به خصوص این تاثیر گذاری آشکار  
است. در گیلان هم به این شکل مثلاً میرزا کوچک  
خان جنگلی نشریه یی داشت به نام جنگ؛ روزنامه  
بسیار خوبی که در رشت چاپ می شد. اصفهان بعد  
از این قرار می گیرد. بعد مشهد و خراسان قرار می  
گیرد. یزد هیچ وقت مطبوعات درخشانی نداشته  
ولی مطبوعات قدیمی دارد.

مطبوعات شهرستان ها  
عمدتاً دست شان طرف  
اداره کل ارشاد محل  
دراز است یا از طریق  
یک سازمانی و حزبی  
تامین می شوند و به  
ندرت هم گاهی از سوی  
مراکز صنعتی. حال شما  
به من بگویید اگر مثلاً  
شرکت و بنستون به شما  
پول بدهد که روزنامه  
در بیاورید آیا می توانید  
یک کلمه علیه آن  
مطلب بنویسید

در سال های اخیر در  
چند نقطه از شهرستان ها  
مطبوعات درخشانی ظهور  
کرده اند. مطبوعات بوشهر  
خیلی خوبند به خصوص به  
این دلیل که حدود دو دهه  
یی است که از نظر ادبیات،  
شعر و هنر نویسندگان این  
استان بسیار موفق بوده اند  
و نقدها و بررسی های خوبی  
را از خود ارائه داده اند.  
مطبوعات قزوین و زنجان  
خیلی درخشان بوده اند.  
روزنامه هم داشتند. علت  
آن این بود که بچه های این  
استان ها به دلیل نزدیکی  
به تهران خیلی احساس  
رقابت با تهران داشتند. ولی

متأسفانه ما این موضوع را با وجود نزدیکی در کرج  
نداریم. در کردستان هم به خاطر پاره ای حساسیت  
ها اتفاق مهمی نیفتاده است.

- همان طور که مستحضربخش بزرگ  
مشکلات نشریات محلی، معضلات مالی  
است. این معضلات به حدی است که این  
روزها استقلال این نشریات به خطر افتاده  
است و خطر دولتی شدن آنها بیش از پیش  
احساس می شود. در این خصوص چگونه می  
اندیشید؟

اول و آخر سرنوشت ما این است که باید برویم به سمت خودگردانی مطبوعات؛ هیچ راه دیگری نداریم.

در سال های اخیر دو الگوی زیست از این نظر به وجود آمده است؛ یکی وابستگی به آگهی از نوع

ما روزنامه نگاران و روشنفکران نمی خواهیم قبول کنیم کتاب نوشتن، روزنامه نگاری کردن و کارهای مشابه، بخش مهم آن اقتصادی است. متأسفانه ما هنوز هم شعار می دهیم که داریم کار فرهنگی می کنیم در حالی که در دنیا معیارها برای شناخت

### اول و آخر سرنوشت ما این است که باید برویم به سمت خودگردانی مطبوعات؛ هیچ راه دیگری نداریم.

بسیار بدی که معروف به الگوی یکی از روزنامه هاست که از سر تا ته روزنامه آگهی می بارد. یک الگو هم دولتی است مثل ایران، همشهری و جام جم، عین این الگوها در شهرستان ها هم هست. اما جذب مخاطب هم به یک لوازمی نیاز دارد که امکان تحقق آنها در بسیاری از استان ها میسر نیست.

در واقع این موضوع یک جریان دوسر است. اگر در نقد نهادهای دولتی مطلب بنویسی، درست است که مردم از تو استقبال می کنند اما از آن طرف در خطر می افتی. اگر بروی طرف مصلحت های تحمیلی، مخاطب را از دست می دهی.

اکنون دو جور آگهی داریم که در شهرستان ها نمود بیشتری دارد؛ یک جور آگهی هایی که به طور مشخص می بینیم آگهی های رو است. یک جور آگهی خطرناک داریم به نام Hidden ad که آگهی های پنهان است که ظاهراً دارند خبر می دهند اما خط دارد. ما حوزه این دو تا را با هم مخلوط کرده ایم. هیچ جای دنیا این کار را نمی کنند

به باور من راهکار عملی این موضوع این است که مطبوعات باید از نظر مالی مستقل شوند. یک نشریه پیش از اینکه هرچیز دیگری باشد، باید یک نهاد اقتصادی باشد. باید بتواند خود را اداره کند، باید سود بدهد. نشریه بی که دستش دراز است، به طرف هر کس این نشریه نمی تواند مستقل باشد. این موضوع در قانون مطبوعات پیش

بینی شده است و در شرایط تقاضا کنندگان امتیاز نشریه آمده است که این فرد باید از نظر مالی، استطاعت کافی را دارا باشد. از سوی دیگر در سال های اخیر بعد از جنگ به این طرف پروانه انتشار را

یک نشریه مستقل، یکسری اصولی دارد. نشریه مستقل نشریه بی است که خودش، خودش را می گرداند در حالی که ما در تهران هم خودمان این عادت را نداریم و متأسفانه نشریات سراسری ما هم اکثراً مستقل نیستند.

حال سوال این است که این هزینه ها از کجا می آیند؟ در دنیا گردانندگان یک روزنامه جدید اول

حساب می کنند که هزینه های آن را از کجا باید تامین کنند برای همین پیش از اینکه فکر انتشارش مطرح شود، دنبال مخاطب می گردند. این اتفاق نه در تهران می افتد و نه در شهرستان ها، مطبوعات شهرستان ها عمدتاً دست شان طرف اداره کل ارشاد محل دراز

است یا از طریق یک سازمانی و حزبی تامین می شوند و به ندرت هم گاهی از سوی مراکز صنعتی. حال شما به من بگویید اگر مثلاً شرکت وینستون به شما پول بدهد که روزنامه دربیابورید آیا می توانید یک کلمه علیه آن مطلب بنویسید؟ کدام روزنامه نگار است که به نان شب محتاج باشد و علیه دولت انتقاد و خرده گیری کند؟ سرنوشت تمام مطبوعات در تهران و شبیه آن و با یک هیکل جریان تر در شهرستان هاست،

یک نشریه پیش از اینکه هرچیز دیگری باشد، باید یک نهاد اقتصادی باشد. باید بتواند خود را اداره کند، باید سود بدهد. نشریه بی که دستش دراز است، به طرف هر کس این نشریه نمی تواند مستقل باشد

-با این اوصاف راه برون رفت از این وضعیت را در کجا باید جست و جو کرد؟

دو جور است؛ بخشی خصوصی و دولتی. اینها را با خبر قاطی کردیم.

-وابستگی شدید ما به اقتصاد دولتی شاید یکی از مهم ترین عوامل آسیب های ما در این حوزه (مطبوعات) باشد زیرا چه بخواهیم و چه نخواهیم اقتصاد ما به شدت دولتی است و بخش ضعیف خصوصی ما هم به واقع وابستگی شدید به دولت دارد. برای حل این معضل چه راهکاری پیشنهاد می کنید؟

درست است زیرا با چنین دیدی در شهرستان ها درست مثل الگوی تهران عوامل اجرایی و دستگاه های اجرایی مملکت انتظار دارند مطبوعات مبلغ سیستم اجرایی باشد. از شما انتظار دارند تمام صفحات را پر کنید از پیروزی ها و موفقیت های دولت وقت که این معضل در شهرستان جدی تر است. اغلب مدیران محلی از شما انتظار دارند فقط از آنها تعریف کنید.

یک مشکل عمده دیگر هم این است که متأسفانه بخش اقتصادی مملکت ما عمدتاً دولتی است. به این ترتیب منشاء اصلی آگهی های شما می شود

به کسانی می دهند که پیشینه سیاسی قابل قبول ارزیابان را داشته باشند. در نتیجه اغلب کسانی که توانستند امتیاز بگیرند، چهره های سیاسی هستند که یک دوره بی یک جا وزیر و وکیل و استاندار و... بوده اند.

-اما تنها راه حیات و ملمات نشریات محلی همین جذب آگهی های گوناگون است زیرا آنها خیلی نمی توانند روی تک فروشی حساب باز کنند. نوع این سیستم آگهی گیری و اینکه نشریات از چه نهادهایی آگهی بگیرند را آیا می توان در چارچوبی محصور کرد؟

در گذشته ورودی تحریریه ما با ورودی سازمان آگهی ها متفاوت بود. ما اصلاً آنها را نمی دیدیم اما اکنون دو جور آگهی داریم که در شهرستان ها نمود بیشتری دارد؛ یک جور آگهی هایی که به

استقلال یعنی اینکه من خبرنگار با شهامت کامل از هر جا که اراده کنم به صورت مستدل و قانونمند انتقاد کنم.

خیلی چیزها باید در جای دیگر حل بشود تا مطبوعات بتوانند نفس بکشند. این ربطی به مطبوعات محلی ندارد. تا زمانی که مشکل اقتصاد دولتی را حل نکنید چه محلی باشند چه در تهران، این مشکلات هست

دستگاه دولت. درحالی که در امارات یا فرانسه این گونه نیست. اینجا به هر کجا که بخواهی انتقادی را وارد کنی به بانک، بیمه، مخبرات، ایران خودرو و... با دولت طرف هستی. در نتیجه کاری که این سیستم می کند به مطبوعات فشار می آورد که اگر آگهی می خواهی، اگر پول می خواهی نباید انتقاد کنی، پیوستگی بخش اقتصاد به دولت باعث شده است یا باید وابسته و دست به عصا بود یا شما باید دارای یک سازمان سیاسی بزرگ باشی که حقوق روزنامه را بپردازد. استقلال یعنی اینکه من خبرنگار با شهامت کامل از هر جا که اراده کنم به صورت مستدل و قانونمند انتقاد کنم. همین پدیده ها را کوچک کن و مثلاً به شیراز ببر. همین حوادث در آنجا اتفاق می افتد اما به دلیل کوچک

طور مشخص می بینیم آگهی های رو است. یک جور آگهی خطرناک داریم به نام Hiden ad که آگهی های پنهان است که ظاهراً دارند خبر می دهند اما خط دارد. ما حوزه این دو تا را با هم مخلوط کرده ایم. هیچ جای دنیا این کار را نمی کنند. خواننده تو نمی تواند تشخیص دهد کجای روزنامه مطلب است کجا آگهی. این امر باعث می شود هیچ خواننده بی به نشریه شما اعتماد نکند. صدا و سیمای ما هم همین مشکل را دارد. مردم اگر بخواهند شما را باور کنند باید این دو تا را از هم مجزا کنید. در تلویزیون های معتبر دنیا آگهی ها که می خواهد شروع شود، به شما نشان می دهند در مطبوعات هم بخش آگهی ها جداست. با تو است که بخری یا نخری، از سوی دیگر تبلیغ هم

گرفتن سوبسیدها، به باور من اگر نشریه محلی شما قدرت و قوت داشته باشد مثل نشریاتی که با رویکرد فرهنگ و هنر و ادبیات در گیلان درمی آیند و رویکردی محلی هم دارند و در تهران هم خواننده دارند، حتماً با این الگو هم می ماند و کار خود را انجام می دهند. واقعیت این است که ۹۰ درصد مطبوعات محلی ما این ویژگی را ندارند و متأسفانه تمام خبرهای تهران را چاپ می کنند. حقیقت این است که از نظر تکنولوژی هیچ مانعی برای این کار دیده نمی شود. البته من نمی گویم مطبوعات محلی تعطیل شود بلکه با این کار شاید بتوانیم الگوی خوبی به مطبوعات محلی بدهیم آن هم با استفاده از فناوری نوین. از لحاظ قانون هم مشکلی ندارد.

**یک خطر الان جدی شده است. تنها مشکل ما هم نیست بلکه چین، فرانسه، عربستان و ژاپن هم درگیر آن هستند و آن این است که تو اگر فرهنگ محلی را تقویت نکنی افتاده دست بیرون مرزی ها،**

**-در خصوص مطبوعات قومی اما وضع کمی متفاوت است، این دسته از مطبوعات به غیر از اینکه تمام این مشکلات را دارند، با محدودیت ها و معضلات مضاعفی هم روبه رو هستند. کارکردهای این دسته از مطبوعات را در این شرایط چگونه تحلیل می کنید؟**

خرده فرهنگ های فراوان ایران، یکی از دشواری های مدیریتی چه در بخش فرهنگ، سیاست و اقتصاد ماست و مساله اصلی این است که ما یک چندگونگی داریم. تفاوت بین بلوچ سراوانی با یک ترکمن واقعاً بسیار زیاد است. مسائل، دیدگاه ها و پیشینه شان بسیار متفاوت است. در این شرایط به باور من نباید بگوییم روزنامه نگاری و مطبوعات در این فرآیند چه نقشی دارد، این امر به نظر من اشتباه است. دغدغه اصلی این است که خیلی چیزها باید در جای دیگر حل بشود تا مطبوعات بتوانند نفس بکشند. این ربطی به مطبوعات محلی ندارد. تا زمانی که مشکل اقتصاد دولتی را حل نکنید چه محلی باشند چه در تهران، این مشکلات هست. واقعیت این است که نهاد دولت ما جرات

بودن محیط این رویارویی ها و بده بستان ها خیلی صریح تر، عریان تر و جدی تر رخ می دهد.

**-چند وقت پیش جناب عالی پیشنهادی را در خصوص ایجاد تغییراتی محدود در صفحات روزنامه های سراسری و چاپ مجدد آنها در برخی مراکز استان ها ارائه کردید. در این خصوص بیشتر برایمان توضیح دهید.**

پنج سال پیش من پیشنهادی را مطرح کردم که از دهه ۷۰ میلادی مشابه آن در ژاپن پیاده می شد. در آن کشور یک روزنامه دفتری مرکزی در پایتخت داشت و در ۱۲ تا ۱۴ استان دورافتاده هم دارای مراکز جداگانه می بود. صفحات اصلی روزنامه که مثلاً ساعت ۹ باید می رفت چاپخانه ساعت هفت به مراکز فکس می کردند. در آن مراکز خبرهای محلی، آگهی های محلی و... را در الگوی صفحات جا می دادند. فردا صبح ساعت پنج که بیرون می آمد ۱۴ چاپ مختلف داشت. در حالی که خبرهای سراسری آنها یکی بود، حدود ۳۰ درصد خبرهای محلی آنها با هم متفاوت بود. من پیشنهاد کردم در شهرستان ها در خراسان، خوزستان، تبریز، شیراز، زاهدان و... که چاپخانه خوب داریم بیایم همین همشهری، ایران، اعتماد و... را در چاپ های متفاوت منتشر کنیم که به عنوان مثال اخبار و آگهی های محلی در استانی مثل خوزستان با عنوان همشهری خوزستان منتشر شود. در این الگو مخاطبان هم به اخبار و آگهی های سراسری دسترسی دارند هم به اخبار و آگهی های محلی.

**-آیا این اقدام به مرگ قطعی نشریات محلی منجر نمی شود؟ زیرا مسلم است که نشریات محلی هر چقدر هم قدر باشند توان رقابت با موسسات بزرگ مانند همشهری یا اطلاعات را ندارند؟**

در این خصوص باید ببینیم قصد ما از روزنامه نگاری چیست. چه فرقی می کند که نشریه مستقل محلی چاپ شود یا محلی - سراسری؟ برخی از روزنامه های محلی بسیار بد هستند. برخی روزنامه ها تمام مطالب را از روزنامه ها می برند و می چسبانند می دهند چاپخانه فقط برای

دنیای تکان بخورد. به نظر اتفاقی نمی‌افتد. اما یک خطر الان جدی شده است. تنها مشکل ما هم نیست بلکه چین، فرانسه، عربستان و ژاپن هم درگیر آن هستند و آن این است که تو اگر فرهنگ محلی را تقویت نکنی افتاده دست بیرون مرزی‌ها، یعنی ما اگر بتوانیم فرهنگ عربی، فرهنگ آذری، فرهنگ سیستانی و فرهنگ ترکمنی خودمان را جذب کنیم و ایرانی‌زده کنیم و آزادی نشو و نمو به آن بدهیم، حداقل این است که آنها در چارچوب فرهنگ کلی ایرانی می‌مانند و به عنوان مثال تحت سیطره فرهنگ انگلیسی نمی‌روند. فشار ماهواره و اینترنت به گونه‌ی بی‌استه‌است که اگر اینها را به طرف خود نکشی چه بسا به آن طرف می‌روند. این موضوع وقتی حادث می‌شود که می‌بینیم نسل جدید به وسایلی دسترسی دارند که نسل ما نداشت. بنابراین اینها از اینکه جلوی نشریه عربی را بگیرند، حتماً نمی‌آیند فارسی حرف بزنند، شاید می‌روند آن ور آبی می‌شوند؟! ما می‌توانیم با تامل عمیق‌تر اجازه ندهیم به کلی از فرهنگ ملی مادری زده و جذب فرهنگ بیگانه شوند.

پروبال دادن به مطبوعات محلی را نداشته است. به دلایل خیلی روشن. مثلاً در کردستان یا خوزستان یا ماجرای اهل تسنن خراسان و سیستان. من بر این عقیده نیستم که مطبوعات قومی به صفت محلی مطبوعات بودن خود در روندهایی مثل خواست فدرالیسم کارکرد تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده دارند. من عقیده ندارم که مطبوعات محلی می‌توانند بنیانگذار باشند. نمی‌خواهم نصیحت کنم اما اگر جای دولت بودم خیلی حساس نمی‌شدم. اتفاقاً امتحان‌هایی هم شده که اگر حساسیت کمتر شود هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

بعید می‌دانم تقویت فرهنگ‌ها و عناصر فرهنگی محلی، برای فرهنگ ملی ما تهدیدی باشد؛ نهاد دولت، طی سال‌ها با حساسیت زیاد رفتار کرده است. مثلاً نشریات به زبان کردی را در کردستان کسانی می‌توانند در بیاورند که واقعاً طرفدار دولت باشند. به آدم‌های عادی در کردستان اجازه درآوردن نشریه نداده‌اند. همین‌طور در سیستان، ترکمن صحرا، خوزستان، آذربایجان و... اجازه داده نمی‌شود در حالی که به نظر نمی‌آید اگر یک عرب خوزستان نشریه‌ی بی‌به‌زبان عربی در بیاورد،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

پرونده